

موقع و مقام عرفان در امر بهائی

دکتر داریوش معانی

مطلب اول - مقدمه

در مقاله " اشاره ای مختصر به آثار عرفانی حضرت بهاء الله " که سال گذشته در نشریه انجمن ادب و هنر منتشر شد از جمله در تعریف عرفان دیدیم که " عرفان در اصطلاح حکماء و صوفیه معرفت قلبی است که از طریق کشف و شهود نه بحث و استدلال حاصل میشود و آنرا علم وجدانی هم میخوانند... " و در همان مقاله " آثار عرفانی جمالبارک " بدو گروه یکی آثار مربوط به عرفان نظری و دیگری آثار مبارکه درباره عرفان عملی تقسیم بندی شد.

عرفان نظری شامل: معرفت اله ، معرفت مظاهر او، شناخت مراتب روح ، نفس ، قلب و مقامات آن . عرفان عملی شامل مراتب : سیر و سلوک و اوصاف سالک ، شرایط فوز به معرفت ، طرق تزکیه نفس و شامل ادعیه و مناجاتها و اذکار و الواح جهت تطهیر نفوس و تقلیب قلوب است .

در این مقاله سعی میشود " موقع و مقام عرفان در امر بهائی " صرفاً براساس آثار و الواح مبارکه نازله در این دور نورانی بررسی و از ذکر آداب و رسوم و عقائد و آراء اهل تصوف و عرفان تا حد ممکن خودداری شود و دلائل این نحوه تنظیم و بررسی بشرح ذیل است :

اول - در بسیاری از آثار مبارکه جمالبارک اشاره فرموده اند لسان قدم میل ندارد آثار گذشتگان را ذکر فرماید و در اکثری از موارد ذکر مطالب و عقائد گذشتگان بخاطر اجابت مسئله دوستان بوده و در همه احوال نظر سائل را بآنچه در این دور مبارک نازل گردیده متوجه فرموده اند .

دوم - کثرت ذکر مسائل و مباحث وارده در آثار اهل تصوف اسباب کسالت گردد و توجه یاران را از آنچه از قلم اعلی نازل گردیده بمطالب سائره معطوف نماید .

سوم - شناخت مسائل عرفانیه براساس آثار نازله از قلم معجز شیم طلعات قدسیه در این دور مبارک هم شیرین است و هم حیات بخش هم گویای حقائق متعالیه است و هم وسیله عروج بعوالم روحانیه هم پرده های وهم و خیال را میسوزاند و هم آب یقین بر اراضی قلوب مبذول میدارد هم شعله بقلب میزند و هم ساغر معانی از ید غلام الهی مینوشاند هم رهبر عاشقان است و هم دلیل طالبان هم اطمینان بخش قلوب است و هم فصل الخطاب در عوالم افکار و عقول . به یمن آن مرتبه " حتی یطمئن قلبی " جلوه نماید و از برکتش شاهد " ماکذب الفواد مارائی " چهره بگشاید .

بر اساس تعریف وارده در مقدمه این مقاله سعی میشود جنبه های مختلف عرفان عملی و عرفان نظری و موقع و مقام آن در امر بهائی تا حدی که فرصت اجازه میدهد بررسی و تحقیق شود .

مطلب دوم - مقام معرفت در آثار امریه

کثرت آیات و آثار نازله درباره موقع و مقام عرفان در این دور مبارک بحدی است که اگر جمع آوری شود

باشکال در يك كتاب بگنجد در این مقاله فقط به بعضی از این آثار مبارکه اشاره میشود و مقصد اصلی از ذکر این نصوص آنکه اهمیت عرفان نظری و عرفان عملی بیش از پیش روشن گردد.
در اهمیت عرفان نظری :

۱- مقصد از آفرینش وصول بمقام معرفت است

جمال قدم در لوحی میفرمایند:
" معلوم آنجناب بوده که لم یزل مقصود از آفرینش معرفت حق بوده و خواهد بود و این معرفت منوط بعرفان انفس عباد بوده که ببصر و قلب و فطرت خود حق را ادراک نمایند ... " امر و خلق جلد اول ص ۱۴

۲- اصل کل علوم عرفان حق است

حضرت بهاء الله میفرمایند :
" اصل کل العلوم هو عرفان الله جل جلاله " امر و خلق جلد اول ص ۱۴ مضمون آنکه اصل همه علوم شناسائی خداوند جل جلاله میباشد .

۳- مقصود از عرفان شناسائی ودیعه ربانیّه در نفس است

چون در الواح و آثار تمعن و تفحص نمائیم ملاحظه شود که این عرفان عبارت از مرحله ای باطنی و درکی روحانی و کشف حقیقتی ربّانی است که خداوند در بندگان خود بودیعه نهاده است .
و درک و کشف این لطیفه رحمانی و حقیقت سبحانی مقصد از ارسال رسل و انزال کتب بوده و خواهد بود قوله العزیز:
" لذا سفراء و انبیاء و اصفیاء فرستاد تا ناس را از مقصود از تنزیل کتب و ارسال رسل آگاه نمایند و کل عارف شوند بودیعه ربّانیّه که در ایشان بنفیس ایشان گذاشته شده - انسان طلسم اعظم است ... "
لوح مقصود ص ۹۵ مجموعه الواح نازله بعد از کتاب اقدس چاپ آلمان

در اهمیت عرفان عملی :

۱- اساس دین الله اکتساب کمالات است

حضرت عبدالبهاء در بیانی قاطع و مؤثر میفرمایند قوله العزیز:
" هو الله ای جنود حیات - شروق و غرب پرستش نجوم آفله نمایند و عبادت آفاق مظلمه - از اس اساس شرائع مقدسه الهیه غافل و از فضائل و کمالات دین الله ذاهل ... همچو گمان کردند که باعلی مراقی فلاح و نجاج رسیده اند و حال آنکه در اسفل جهل زیستند و بکلی از مواهب الهیه محروم و بی نصیب گشتند و سبب این حرمان آنکه باساس اصلی پی نبردند و در ترقی عوالم روحانی و مقامات سامیه رحمانی نکوشیدند اساس دین الله اکتساب کمالاتست و استفاضه از فیوضات . مقصد از ایمان و ایقان تزئین حقائق انسانی به فیض کمالات ربّانی است اگر این وصول نیابد حقیقت حرمان است و عذاب نیران . "
امر و خلق جلد سوم ص ۵

۲- اساس امرالله اساسی است عرفانی

حضرت ولی عزیز امرالله در دستخط مورخ ۸ دسامبر ۱۹۳۵ از جمله میفرمایند:
" ... دیانت بهائی مثل جمیع ادیان الهی دیگر اساسش عرفانی است . هدف اساسی آن تکامل افراد و اجتماع از طریق تحصیل قوی و کمالات روحانی است .

اول باید روح انسان تغذیه شود و ادعیه و مناجات بهترین وسیله تغذیه روحانی است .
قوانین و تأسیساتی که حضرت بهاء الله پیش بینی نموده اند فقط وقتی توسعه و جلوه مینماید که حیات روحانی باطنی ما تغییر و تکامل یابد و الاً دیانت صرفاً تشکیلاتی شود و به قالبی مرده تبدیل گردد." ترجمه
Importance of prayer

جمع آوری توسط بیت العدل اعظم Meditation, and the Devotional Attitude

مطلب سوم- تحصیل معرفت از طریق کشف و شهود

حال که اهمیت عرفان نظری و علمی در این دور مبارک تا حدی روشن گردید لازم است در راههای مختلفه وصول باین معرفت بحث مختصری نمایم . میدانیم که وصول به هر حقیقتی و درک هر مسئله و مطلبی اطلاقاً از دور راه ممکن است :

راه اول عبارت از تحقیق علمی و متد منطقی و تجزیه و تحلیل عقلی و میزان و مقیاس معمول مدارس و معاهد در سراسرعالم است و این طریق ، طریق اهل علم و منطق و فن و صناعت است و آنرا علم دانند .
و راه دوم عبارتست از طریق مکاشفه و شهود و ادراک قلبی و مشاهده و معانیه روحانی و معرفت قلبی و ایقان و ایمان باطنی و این راه سبیل اهل طریقت و طریق اهل حقیقت است و آنرا عرفان خوانند .

آنچه در این مقاله مورد بحث است تحقیق این نکته است که در امر بهائی عرفان باین معنی که ذکر شد چه موقع و مقامی دارد. آیا اساساً این نحوه درک حقائق مورد تأیید مظهر امر قرار گرفته است یا نه و آیا اهل ایمان به درک روحانی و مکاشفه معنوی و لقاء محبوب تشویق شده اند یا نه و آیا این کشف و شهود و این معاینه و مشاهده فائده ای دربردارد یا سعی و اجتهادی بیهوده میباشد، آیا بعضی مقامات که در کتب عرفاء وارد آمده در این امر مبارک نیز جا و مقام و موقع و منزلتی یافته یا نفی و رد شده است ؟
در صفحات بعد سعی میشود با استناد بآیات مبارکه و ذکر شواهدی از آثار مقدسه پاسخ به بعضی از این سنوالات اشاره گردد.

هفت شاهد در تأیید مراتب عرفانیه و امکان مکاشفات روحانیه :

شاهد اول - لسان قدم به لسان طریقت صحبت فرموده

جمال مبارک در لوحی که در آن مقام وحدت و صیانت عالم انسانی را شرح میدهند از جمله میفرمایند:
" ... گاهی بلسان شریعت و هنگامی به لسان حقیقت و طریقت نطق نمودیم و مقصد اقصی و غایت

قصوی ظهور این مقام بلند اعلی بوده و کفی بالله شهیدا" .
امر و خلق جلد سوم ص ۲۱۱
ملاحظه میشود که جمال قدم بنفسه المقدس شهادت داده که گاهی بلسان حقیقت و طریقت که لسان عرفا و اهل تصوف باشد ناطق بوده اند این بیان مبارک گویای این مطلب است که جمال مبارک خود السنه

مختلفه در الواح مبارکه را ذکر و بآن اشاره فرموده اند. بیان مبارک فوق و بیان دیگری از حضرت بهاء الله که فرموده اند آیات به الحان و شئون مختلفه نازل گشته شاهدهی است که میتوان بر آن اساس در تقسیم بندی آثار مبارکه به الحان و شئون مختلفه اقدام نمود.

شاهد دوم - ظاهر و باطن کلمه

جمال مبارک در مورد چگونگی درک ظاهر و باطن کلمات میفرمایند:

" کلمه آلهیه را تؤول نکتید و از ظاهر آن محجوب نمائید... طوبی از برای نفوسی که ظاهر را عامل و باطن را امل اند "

امر و خلق جلد سوم ص ۴۵۳

شاهد سوم - در مقایسه علم و سرّ

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارکی که در حق درویشی نازل از جمله میفرمایند :

علمی که زحق رسیده در سینه بود درسی نبود هر آن چه در سینه بود

این علم سینه به سینه شرح میشود و دل بدل می سپارند یعنی سرّ است .

سر دهانند که سر داده و سرّ می ندهند

ساقیانند که انگور نمی افشارند

این رتبه کتب الله علی قلوبهم خوانده میشود

و علم کثرت ختم الله علی قلوبهم ع ع "

مآئده آسمانی جلد نهم ص ۹۰ سنه ۱۲۹ طهران

شاهد چهارم - از مجلس علم به خلوتخانه غیب راه نیست

در لوح محمد حسن خراز جمال مبارک میفرمایند قوله العزیز:

" از مجلس علم و دانش به خلوتخانه غیب راه نبوده و نیست "

مآئده چهارم باب یازدهم ۱۷۲

شاهد پنجم - درک اسرار غیب ممکن است

حضرت عبدالبهاء در مناجاتی میفرمایند قوله اللطیف:

" هوالبهی ای پروردگار این بنده درمانده را در کف منیعت موی ده و در ملاذ رفیعت

مسکن بخش شمع روشنی در قلبش برافروز و چشمه سلسبیلی از دلش جاری کن ابواب

فیض بررخش بگشا و اسرار غیب بفوآش الهام فرما... پروردگارا رحمی کن استقامت

بخش ع ع " مجموعه مناجات چاپ پاکستان ص ۶۹

شاهد ششم - لقاء روحانی برای اهل عرفان

" هوالبهی خدایا این طیر حدیقه عرفان را بال و پری عطا فرما و این پروانه شمع محبتت

را قرب و منزلتی احسان کن این سرگشته صحرای عشق را به خلوتخانه عنایت دلالت نما

و این تشنه بادیه هجران را به بحر لقاء روحانی بگشان .

این بنده قدیم را ندیم بزم الطاف کن و این فقیرمسکین را بغنای حقیقی مستغنی گردان

ع ع "

مجموعه مناجات چاپ پاکستان ص ۶۸ - ۶۷

شاهد هفتم - مکاشفات روحانیه ارزان فرما
 دقت در مضامین مناجات ذیل که اکثراً در جلسات امریه تلاوت میگردد ابواب دریائی بیکران از مسائل و مفاهیم و اصطلاحات عارفانه را بر وجه هر دل مشتاقی میگشاید قوله العزیز *

" هو الله خداوند مهربانا کریم رحیم این جمع را بشمع محبت روشن نما و این نفوس را بنقشات روح القدس زنده کن انوار آسمانی ببخش و موهبت کبری مبذول دار تا نایدها را غیبیه برسان و مکاشفات روحانیه ارزان فرما دیده ها را بنور هدی روشن کن و دلها را بفیوض نامتناهی غبطه گلشن نما ارواح را بشارت کبری ده و نفوس را بموهبت عظمی مفتخر نما ... ع ع "

مجموعه مناجات حضرت عبدالبهاء ص ۳۴ کراچی ۱۹۶۵

مطلب چهارم - مراتب سیر و سلوک در امر بهائی

حال به بینیم این لقاء و این درک مسائل و مطالب بقوه معنوی و این مکاشفه روحانی از چه راه حاصل میشود و از چه طریق ممکن میگردد ؟

از زیارت نصوص و آثار مبارکه چنین برمیآید که چون قلب تطهیر شود و دل پاک انسانی مقابل شمس حقیقت قرار گیرد و آفتاب جمال یار در آئینه دل بیدار بتابد این چنین قلبی مظهر تجلی جمیع اسماء و صفات الهی گردد و سنبلت علم و حکمت از خاک پاک چنین دلی برآید و شقائق حقانیش گلزار جان را معطر نماید.

چون هر امر مهمی را زمانی و هر نوره و زمان را موهبتی خاص مقرر گشته اینست که ایام ظهور مظاهر الهیه دارای مواهب و امکانات خاصی است که جز در آن ایام ظهورش ممکن نیست .

ایام ظهور مظاهر الهیه بخصوص در ایامی که شمس مشیت الهیه و مظهر کلیه ظهور الهی در عالم وجود درخشش داشت ایامی خاص بوده که هر قلبی در آن ایام توجه بسوی آن جمال نمود اشعه شمس حقیقت بی واسطه و بی مانع و پرده برآن تابید باین حقیقت جمال مبارک در لوحی اشاره فرموده اند قوله تعالی :

" ای حسین امر حق را الیوم چون شمس ملاحظه نما و جمیع موجودات را مرا یا و هریک از مرا یا که به شمس توجه نمود و مقابل گشت صورت او در او ظاهر و هویدا والیوم قلبی که مقابل شد با جمال ابهی انوار وجه در او ظاهر و مشهود و من دون ذلك محروم بل مفقود والیوم مقابل نشده مگر معدودی و ایشانند جواهر وجود عندالله "

مائده آسمانی جلد چهارم ص ۱۰۵

اگر چه فضل ایام ظهور مظاهر الهیه فضل خاصی است و امکانات معرفت قلبیه در آن ایام پرنوار بر هر عاشق صادقی روشن و آشکار ولی این فیض و این فضل و این موهبت همیشه ایام موجود و ابواب شناسائی حق از طریق مکاشفه و شهود همیشه مفتوح است . در تائید این حقیقت ذیلاً بنویسید بیان اصلی از مبین منصوص حضرت مولی الوری روحی لعبودیته الفداء اشاره میشود:

اول - دل چون توجه بافتاب نماید چشم بینا گردد

در اینکه قلب پاک و فارغ از خدا وسیله شناسائی خداست در لوحی از حضرت عبدالبهاء نازل جل قوله العزیز:

" هو الله ای طالب حق اگر عرفان الهی خواهی و شناسائی جوئی قلب را از غیر خدا فارغ نما و بکلی منجذب محبوب حقیقی گرد و تجسس و تحرّی از او نما به براهین عقلی و نقلی مراجعت کن زیرا براهین دلیل سیل است و باین واسطه قلب متوجه به شمس حقیقت گردد. و دل چون توجه بافتاب یافت چشم بینا گردد و آفتاب را بنفس آفتاب شناسد آنوقت محتاج دلیل نماند زیرا آفتاب غنی مطلق است و غنای مطلق محتاج به چیزی نیست از جمله اشیاء دلیل است مثل توما مباحث مثل پطرس شو امیدوارم که جسماً و عقلاً و روحاً شفا یابی ع ع "

مکاتیب عبدالبهاء جلد هشتم ص ۱۹

دوم - نبعان حقیقت از قلب و حل مسائل از طریق توجه بملکوت ممکن است حضرت عبدالبهاء در لوح مستر ایچ ایگر اشتوتکارت میفرماید:

" الحمدالله چون توجه بملکوت نمودی بسیاری از مسائل معضله حل شد و چون به مقام حواری رسیدی و امیدم چنان است که بررسی جمیع مسائل حل میشود ... نفوسی مقدسه را در حقیقت الوهیت افکاری است که بتمامه مطابق عقل است . سر مکنون و رمز مصون است و همچنین سائر مسائل. آنچه شنیده ای آن را کنار بگذار و بکوش تا حقیقت از قلبت نبعان نماید و علیک البهاء الابهی . عبدالبهاء عباس "

راههای وصول به شناسائی قلبی

حال که اهمیت شناسائی قلبی و درک روحانی روشن گردید مناسب است چند کلمه ای در راههای عملی این معرفت باطنی و مکاشفه روحانی صحبت بداریم و چون بخواهیم در این میدان وارد شویم عملاً صحبت از سیر و سلوک و شرائط سالک که بحث اصلی عرفان عملی است بمیان میآید. برای حفظ اختصار سعی میشود فقط بذکر بعضی از آثار مبارکه که جوهر مسائل مورد بحث در آن وارد آمده اشاره گردد. یکی از این موارد عبارت است از بیانات نازله در کتاب مستطاب ایقان که در آن راه وصول به حقیقت برای طالبین وصول به مدینه ایقان و دخول در شهر روحانی اهل ایمان بیان گردیده و میتوان بجزأت گفت که زیارت این چند صفحه انسانرا از مطالعه صدها کتاب اهل تصوف و عرفان که در شرح مراتب و مقامات سالکین و صفات و کمالات طالبین و واصلین برشته تحریر آورده اند بی نیاز میسازد. بعضی از آن آیات بنیات اینست قوله الجلیل :

" ولیکن ای برادر من شخص مجاهد که اراده نمود قدم طلب و سلوک در سبیل معرفت سلطان قدم گذارد باید در بدایت امر قلب را که محل ظهور و بروز تجلی اسرار غیبی الهی است از جمیع غبارات تیره علوم اکتسابی و اشارات مظاهر شیطانی پاک و منزّه فرماید ... "

و باید در کل حین توکل بحق نماید و از خلق اعراض کند و از عالم تراب منقطع شود و بگسلد و برب الأریاب دربندد و نفس خود را بر احدی ترجیح ندهد و افتخار و استکبار را از لوح قلب بشوید و بصبر و اصطباردل بندد و صمت را شعار خود نماید و از تکلم بی فایده احتراز جوید... و غیبت را ضلالت شمرد و بآن عرصه هرگز قدم نگذارد زیرا غیبت سراج منیر قلب را خاموش نماید و حیات دل را بمیراند بقلیل قانع باشد و از طلب کثیر فارغ مصاحبت منقطعین را غنیمت شمارد و عزت از متمسکین و متکبرین را نعمت شمرد در اسحار بازکار مشغول شود و بتمام همت و اقتدار در طلب آن نگار کوشد غفلت را بنار حب و ذکر بسوزاند و از ماسوی الله چون برق در گذرد ...

باری مقصود از جمیع این بیانات متقنه و اشارات محکمه آنست که سالک و طالب باید جز خدا را فنا داند و غیر معبود را معدوم شمرد.

و این شرائط از صفات عالین و سجدیه روحانین است که در شرائط مجاهدین و مشی سالکین در مناہج علم الیقین ذکر یافت ... کتاب مستطاب ایقان ص ۱۵۰ - ۱۵۱

این بود شمه ای از بیانات متعالیه جمال اقدس ابهی که فی الواقع دستورالعمل برای هر مؤمن صادق و هر عاشق دلدادہ ای است که بجد و جهد تمام کمر همت در راه وصول به مدارج علم و معرفت حضرت احدیت بر بسته و عزم جزم نموده تا در سیبیل نوست سلوک نماید و چون چنین کند نتایج حاصله از این سیر و سلوک قلب و روح او را بانوار معرفت روشن نماید و بفرموده جمال مبارک انوار علم و یقین ارکان وجود او را احاطه نماید قوله العزیز:

" و چون سراج طلب و مجاهده و نوق و شوق و عشق و وله و جذب و حب در قلب روشن شد و نسیم محبت از شطراحدیه وزید ظلمت ضلالت شک و ریب زائل شود و انوار علم و یقین همه ارکان وجود را احاطه نماید در آن حین بشیر معنوی بشارت روحانی از مدینه الهی چون صبح صادق طالع شود و قلب و نفس و روح را بصور معرفت از نوم غفلت بیدار نماید و عنایات و تائیدات روح القدس صمدانی حیات تازه جدید میزول دارد بقسمی که خود را صاحب چشم جدید و گوش بدیع و قلب و فواد تازه می بیند و رجوع بآیات واضحہ آفاقیه و خفیات مستوره انفسیه می نماید و بعین الله بدیعه در هر ذره بابی مفتوح مشاهده نماید برای وصول بمراتب عین الیقین و حق الیقین و نورالیقین و در جمیع اشیاء اسرار تجلی وحدانیه و آثار ظهور صمدانیه ملاحظه کند... "

ایقان مبارک ۱۵۱ - ۱۵۲

مطلب پنجم - سفر روحانی در جهان پاک

حال که اهمیت معرفت قلبی و شرائط سیر و سلوک برای وصول به حضرت محبوب را براساس بیانات حضرت بهاء الله زیارت نمودیم به بحث مهم و اساسی دیگری از عوالم تصوف و عرفان میپردازیم و آن بحث سفر باطنی و روحانی در عوالم نفس است که از آن به سیر و سفر از خود به خود نیز یاد شده در مقابل سیر و سلوک که سیر و سفری از خود بسوی خدا بود این سفر از خود بجهان نفس است و عبارت از سیر و سیاحت در جهان خویش .

در این مورد لوح مبارکی از حضرت عبدالبهاء در مکاتیب جلد دوم صفحات ۱۸۶ تا ۱۸۸ مندرج است . این لوح مبارک را بایستی به تکرار زیارت نمود و در مفاهیم و مسائل مهمه آن بسیار دقت کرد در این لوح مبارک حضرت عبدالبهاء با بیانی ساده و بسیار زیبا از عوالم سفر و سیر روحانی صحبت داشته و از آن سیاحت دلکش سخن گفته اند . در عین حال به بسیاری از اصطلاحات اهل عرفان شرق اشاره فرموده و آن تعابیر و معارف را بنحوی بدیع و دلنشین بیان فرموده اند قال و قوله الاطی :

" هوالله ای یار مهربان آوارگان ... و اما سفر حقیقی روحانی خوشتر و دلگشتر است چه که این سفر از عالم خاک به جهان پاک است . و از حیث لا بساحت دلگشای الأست .

در دمی شرق و غرب طی شود و در ساعتی قدم بعرصه قدم در آید - انسان حکم طائر ساکن و ساکن طائر و جاری منجمد و منجمد جاری یابد . حقیقت جامعه انسانیه بجمیع شئون و آثار و احکام و اطوار و تشخصات و تعنیات در حیث وجود و ظهور تحقق یابد .

ای رفیق شفیق اگر همتی داری و فسحتی طلبی و سیاحتی جوئی و سیر و تفرجی خواهی اول چشم از

عالم و عالمیان بیوش ، از مردم و آدمیان بگذر از اوج قبول منقطع شو. در کنج خمول چون این آوارگان مأوی کن و از هر فکری و ذکری آزاد شو و در جمیع آن منتظر شرب کأس فنا شو و مترصد هجرت از این خراب آباد.

بجان عزیزت قسم که تا از آنچه دیده و شنیده ایم نگذریم و بکلی منقطع الی الله نشویم و از نام و ننگ چشم نپوشیم و صدور را از هر وهم و خیالی مجرد ننمائیم و در گوشه بی توشه نی بذکر خدا فارغ از ماسوی نشویم و بخود مشغول نگردیم فسحت حقیقی نیابیم و سیاحت روحانی نکنیم .
پس تا توانی بخود مشغول شو زیرا حقیقت بشریه اگر چه مستغرق در ظلمات کونیّه است لکن مقتبس از انوار و اسرار مبدء حقیقی و افق قدس عالم وجود است چون بخود مشغول شود نورانیت تزاید نماید و همه انوار گردد و سرّ حقیقت علیکم بانفسکم آشکار شود... مثلی است مشهور ایام را چندی وقف مطرب و می نمائیم ما نیز چندی اوقات را محصور بتوجه و تنویر حقیقت خویش کنیم تا ملاحظه کنیم که از افق اعلی و ملکوت اسمی چه فیوضاتی ظاهر و لائح گردد . * مکاتیب جلد دوم ص ۱۸۶ - ۱۸۸

مطلب ششم - بعضی نصائح در فوز باسرار ملکوت

حال که اهمیت و لذت سیر و سیاحت روحانی را براساس بیانات حضرت عبدالبهاء زیارت نمودیم خویست بعضی نصائح مشفقانه آن مرکز عهد و میثاق را در وصول به عوالم بالا و دستیابی به حقائق و معارف جبروت اعلی از خاطر دور نداریم ذیلاً به سه مورد از موارد فوق الذکر اشاره میشود:

اول - شرط وصول به اسرار ملکوت

در لوح مبارکی از حضرت عبدالبهاء که مطلع آن " ای ناظر بملکوک الهی ... " است از جمله میفرمایند:
قوله الاعلی

" ... پس تو ای منجذب ملکوت آلهی بکوش تا یک سرسیم را در مرکز صدور منصوب کنی و سر دیگر را در مرکز اعلا تا مصدر اسرار ملکوت ابهی گردی و واسطه فیض حقائق و معانی جبروت اعلی شوی .
این سیم توجه تام و ارتباط معنوی روحانی بجهان بالاست و سیاله برقیه اش قوه محبه الله و شدت تمسک بمهد و میثاق الله والبهاء علیک ع ع " نسخه خطی نگارنده

دوم - چگونگی هجوم افواج الهام

در لوح مبارک دیگری میفرمایند :

" الله ابهی خان رئیس ای اسیر دل قلب انسانی مهبط الهام رحمانی است چون مرکز مخابره مرتبط بمراکز سائره است این است که هر دل مرتبط بدلهاست و هر دلی را صد هزار هواها .
ولی اگر مخابر ماهر بتواند یک سرسیم را در مرکز دل محکم نماید و سر دیگر بملکوت ابهی رساند آنوقت افواج الهام بیند که هجوم آرند و انوار تائید بیند که از جمیع جهات درخشد والبهاء علیک ع ع " نسخه خطی نگارنده

ملاحظه میشود که در هر دو لوح مبارک توجه تام و تمرکز قوی و حصر نظر در عوالم بالا و قوه محبت الله و ثبوت و رسوخ بر عهد و میثاق الله از جمله شرائط حصول و اصول به الهامات غیبیه و درک اسرار

ربانیه و فوز به حقائق جبروت اعلی ذکر شده است .

سوم - طی زمان و مکان به مغناطیس محبت حضرت رحمن

در مناجات ذیل حضرت عبدالبهاء معارف بدیهه ای در عوالم عرفان بر عالم و عالمیان بفضل و احسان مرحمت فرموده اند :

" ای بنده بهاء در سبیل خدا جان فشانی کن و در محبت جمال ابهی حرکتی آسمانی که چه حرکت حییه حرکت از محیط بمرکز است و از آفاق به نیر آفاق اگر گوئی مشکل است خیر نیست چنین چون محرک و دلیل قوه مغناطیس باشد طی زمان و مکان بسی آسان و البهائ علی اهل البهائ "

منتخباتی از مکاتیب عبدالبهاء چاپ امریکا شماره ۱۶۶

مطلب هفتم - عرفان در امر بهائی

۱- اساس عرفان تجلی شمس کلمه آلهیه برقلوب عارفان است

از آیات متعدده مبارکه این حقیقت روشن میشود که پایه و اساس و منشاء عرفان الهی است و این خود کافی است که موقع و مقام عرفان را در نور بهائی مشخص و ممتاز نماید .

از بین بسیاری آثارمبارکه لوح مبارک ذیل به تنهائی برای اثبات این حقیقت کفایت نماید قال وقوله الحق: " یا هو آفتاب حقیقی کلمه الهی است که تربیت اهل دیار معانی و بیان منوط باوست و اوست روح حقیقی و ماء معنوی که حیات کلّ شئی از مدد و عنایت او بوده و خواهد بود و تجلی او در هر مرآتی بلون او ظاهر مثلاً در مرآیای قلوب حکما تجلی فرمود حکمت ظاهر شد و همچنین در مرآیای افنده عارفین تجلی فرمود بدایع عرفان و حقائق تبیان ظاهر شد . "

مائده آسمانی جلد چهارم ص ۲۳

این ارتباط لطیف روحانی و این تجلی شمس کلمه الهی حقائق و معانی عرفانیه را در قلوب پاک مشتاقین برویاند و چون این نهالهای نورسته بآب یقین سقایه شود .

" سنبلات علم و حکمت الهی " از مدنیه طیبیه دل بریود و عالمی را بیوی خوش خود معنبر و معطر سازد جمال اقدس ابهی در کلمات مکتونه فارسی بلحن ملیح و شیرینی این رشد و نمو روحانی را روشن میفرمایند:

ای فرزند کنیز من از لسان رحمن سلسبیل معانی بنوش و از مشرق بیان سبحان اشراق انوار شمس تیجان من غیر ستر و کتمان مشاهده نما . تخمهای حکمت لدنیم را در ارض طاهر قلب بیفشان و بآب یقین آیش ده تا سنبلات علم و حکمت من سرسبز از بلده طیبیه انبات نماید " (فقره ۷۸ کلمات مکتونه فارسی) باری چون شمس کلمه الهیه باین قوت و قدرت در این نور مبارک برقلوب میتابد باید منتظر بود که در بوستان عرفان این نور چنان گل و سنبلی بریود و اشجار حکمت و بیان چنان رشد و نموی نماید و به چنان بار وبری و میوه و ثمری مزین شود که عالم را روشن و عالم خاک را غبطه گلزار و گلشن نماید ولیل هذا علی الله بعزیز .

۲- شدت اشراق آفتاب امر در این نور مبارک

حال که دانستیم عرفان اساسش تجلی شمس کلمه آلهیه است باید این نکته را از نظر نور نداریم که در این یوم مبارک یعنی در نور حضرت بهاء الله که امرالهی به اشد قوی ظاهر گشته شدت اشراق و تجلی این شمس در مرآیای قلوب صافیه نیز بنهایت درجه علو خود رسیده .

سحر ایام ظهور و فجر آن و دوران طلوع شمس و حرکت آن گذشته و در این نور مبارک آفتاب در وسط النهار تابیده چون اصطلاحات وارده در الواح مبارکه را که در اهمیت این نور مبارک نازل گشته ملاحظه نمائیم باین اوج قدرت تجلی الهی پی بریم .

اگر تا بحال انبیاء و رسولان و کتب آنان بوحی الهی نازل میشده امروز مُرسل رسل و مُنزل کتب بنفسه ظاهر شده اند امروز عالم امر خود باهر شده.

اگر مظاهر قبل خود را کلمه الله نامیدند در این ظهور اعظم کلمه علیا ظاهر گشته و اگر ظهورات قبل به دین نامیده میشده امروز امر الهی آمده و رسالت جمال مبارک به امرالله نامیده شده آنچه در ایام قبل بآن بشارت داده شده امروز ظاهر گردیده و لقاءالله که علامتی از علامات قیامت بود میسر گردیده جمال مبارک بنفسه المقدس تاکید فرموده که :

" اگر نفسی یکبار از روی صدق رب ارنی گوید از ملکوت بیان آنظر ترانی استماع نماید... و همچنین فرموده اگر نفسی از اول لاول از جمیع اعمال حسنه محروم مانده باشد الیوم تدارک آن ممکن است چه که دریای غفران در امکان ظاهر و آسمان بخشش مرتفع " ادعیه حضرت محبوب ص ۳۶۷

۳- کثرت آثار عرفانیه جمال مبارک و الواح جذبیه و عشقیه و اشعار و غزلیات لطیفه و مثنوی پر روح و مناجاتهای عارفانه و عاشقانه حضرت عبدالبهاء کل دلیل برآنست که اهل بها در گذشته و حال و مستقبل ایام چقدر بدرك اسرار روحانی و تلطیف قلب و تزکیه نفس و ترقی در مقامات روحانی که جمیعاً تحت کلمه و اصطلاح حیات بهائی خلاصه میشود مأمور و مکلفند .

زیارت پیام رضوان ۱۴۷ بدیع بیت العدل اعظم الهی که یاران را موكداً تشویق بر زیارت و تعمق در آثار امریه و توسل بدعا و مناجات فرموده اند تا روحاً و معنأ آماده درك مقام منبع و رسالت عظیم جمال اقدس ابهی گردند و این آمادگی روحانی و معنوی را محور اصلی اقدامات یاران عزیز بیان داشته اند شاهدهی است بر اهمیت روزافزون مسائل روحانیه و معنویه در امر مبارک .

(به پیام بهائی شماره ۱۲۷ مراجعه شود)

چون هر مظهر امر الهی احکام و دستورات و آیات و الواح خود را براساس احتیاجات زمان نازل و ظاهر میفرماید کثرت الواح در آثار نازله درباره روحانیات و معنویات و انقطاع از دنیا و توجه بدار عقبی و تزکیه نفس و اتصاف بصفات رحمانیه و گذشت و تواضع و آزادگی و فرزادگی و امثال آن کل دلیل بر احتیاج شدیدی است که عالم بشریت و يك يك افراد انسانی باین مسائل و مطالب دارند .

۴- لحن بیان و صمیمیت خطاب در آثار امریه

لحن خطاب و صمیمیت عناوین و لطافت روابط و حقائق نازله در آثار عرفانیه این امر نیز بسیار بدیع و دقیق است .

اگر در ادیان قبل مظهر ظهور گروه مؤمنین را به یا عبادی و ای بندگان و یا معشرالمؤمنین خطاب میفرمود امروز لسان قدم در نهایت صمیمیت و محبت با اهل بها صحبت میدارند و آنانرا:

" ای برادر من - ای رفیق عرشی - ای دوست من - یا احبائی - احباء الله - احباب - ای اهل رضوان من، ای برادران طریق و ای همگنان " نامیده اند .

اگر هر لحظه صد هزارجان فدا نمائیم شکر این موهبت و محبت و لطف و عنایت را بجا نیاورده ایم این خطابات و عناوین مبارکه پایه پروازی جدید در آسمان عرفان حضرت یزدان است و طیور قلوب را قوت و

اطمینانی بدیع می بخشد و اوج و ارتقاعی جدید می آموزد *

۵- اصطلاحات بدیعه عرفانی در این نور مبارک

یکی از نکات مهمه در زیارت آثار و الواح عرفانیه این امر مبارک آنکه بسیاری از کلمات و اصطلاحات در این نور جدید معانی و مفاهیم تازه یافته و روح و حیات بدیع از آن معانی جدیده استنباط میگردد. چون در متون آثار دقت کافی گردد معانی این اصطلاحات بدیعه يك بیک روشن گردد و این از وظائف اهل تحقیق است که این حقائق و معانی بدیعه را که در پس پرده های کلمات الهیه مستور و مخفی است روشن نمایند تا بمرور مجموعه ای نفیس از این معانی بدیعه و حقائق لطیفه جمع آوری گردد و قاموسی از لغات و اصطلاحات عرفانی بآن نحو که در امر بهائی وارد گشته تدوین شود.

بعنوان نمونه قسمتی از يك لوح حضرت عبدالبهاء در این مقام زیارت میگردد و چون به معانی و مطالب و کلمات این لوح مبارک دقت نمائیم می بینیم که حضرت عبدالبهاء بنفسه المقدس تاکید میفرماید که این اصطلاح این نور جدید است و سپس این اصطلاح را با اصطلاح حکمای الهی تطبیق میفرماید قال وقوله الحق :

" امروز جمیع اشیاء بافتاب عهد الهی روشن یعنی جمیع معهودات از فیض عهد الهی معهود گردیده اینست اصطلاح اهل بها در این عهد جدید که مطابق است با حکمای الهی که فرموده اند جمیع موجودات از فیض وجود حق موجود گردیده.

قوالب و مجالی و مظاهر و الفاظ مختلف و گوناگون لیکن معانی و حقائق و مشارب و رحیق و سلسبیل و می و باده واحد - سخن را روی با صاحبذلان است.

ای الذین یعلمون ... والذین یعلمون ای الذین اوفوا بعهده الله و میثاقه فی الیوم المعهود...

مائده آسمانی جلد نهم ۱۲۵

از زیارت لوح مبارک فوق از جمله چنین مستفاد میشود که :

اولاً : اصطلاحات اهل بهاء در این نور جدید اصطلاحاتی تازه است

ثانیاً : اگر چه ظاهر و کلمه و اصطلاح متفاوت است ولی مفهوم و معنی و حقیقت یکی است

و سپس در همین لوح مبارک از جمله اصطلاح " صاحبذلان " بمعنی متمسکین به عهد و میثاق الهی وارد آمده است - باری این میرساند که اهل بهاء باید با چه وسعت نظر و سعه صدر و آمادگی روحانی مسائل و مطالب و اصطلاحات و معارف مختلفه را مطالعه و حقائق مستوره را معاینه فرمایند.

۶- در حد سیر و سلوک در امر بهائی

چون مسئله سیر و سلوک و صحبت از عرفان و تصوف اکثری از نفوس را بیاد نفوس سرگشته و پریشان بیکار و بی سروسامان میاندازد که نه بکاری مشغول و نه به صنعت یا زراعتی امرار معاش مینمایند این است که در این قسمت لوحی از حضرت عبدالبهاء در بیان حد درویشی زیارت میگردد:

اهمیت این لوح از جمله از این جهت است که در آن تکلیف اهل بهاء روشن گردیده و دید مؤمنین به جنبه عرفان عملی که در هفت وادی مبارک نازل شده معین شده و این تصور که این رساله مبارکه چون براساس خواهش اهل تصوف و بر مشرب آنان نازل گردیده پس جزء الواحی که برای اهل بهاء پایه کار و قرار رفتار است نمیباشد نفی شده است .

در این لوح مبارک حضرت مولی الوری از طرفی رساله هفت وادی را طریق سیر و سلوک خوانده و سیر و سلوک را بسیار محبوب شمرده اند و از طرف دیگر اعمال و عادات و رسوم نفوس مهمله را که کاری

در پیش نگیرند و به کسبی مشغول نشوند مذموم شمرده اند و فی الواقع راه اعتدال در طریقت را بپاموخته اند . قوله الاحلی :

در حد دوریشی و سلوک

" هوالله ای بنده آستان مقدس آنچه نگاشتی ملاحظه کردید و بر تفصیل اطلاع حاصل شد . هفت وادی به جهت سیر و سلوک نازل شده و سیر و سلوک بسیار محبوب . اگر اهل فقر عبارت از نفوسی باشند که درین وادی سلوک نمایند و به این اخلاق متخلق شوند روش راستان گیرند و سلوک آزادگان جویند هر نام که عنوان گردد ضرری ندارد .

درویش که از قلم اعلی تحریر یافت معنیش فحوائی رساله سلوک است و بسیار معقول ولی جمعی الان درین جهان اند و بظاهر و باطن سرگشته و پریشان و مهمل و معطل و بارگران بر سائر ناس . به صنعتی مشغول نشوند و به کار و کسبی مألوف نگردند و خود را از آزادگان شمرند و حال آنکه از برای توت شمران و فواکه تویسرکان و موسم خرمای عربستان دوست فرسخ طی نمایند اینگونه نفوس مهمله البته مقبول نه زیرا هر نفسی باید کاری و کسبی و صنعتی پیش گیرد تا او بار دیگران را حمل نماید نه اینکه خود حمل ثقیل شود و مانند علت کابوس مستولی گردد .

باری سیر و سلوک در وادی عشق محیه الله بسیار محبوب و ذکر حق مقبول و از شدت فرح و سرور غزلخوانی و نغمه سرائی مطلوب و مادیون آن اوهام و عیوب و عليك التحية والثناء "

امر و خلق جلد سوم ص ۳۶۹

۸ - خادمین تشکیلاتی و عارفین ربانی

باید همیشه بدرکه الهی نماز و نیاز آریم و از خدا بخواهیم و در دل آرزو نمائیم و در قلب متذکر باشیم که کثرت امور تشکیلاتی و تنوع خدمات در مؤسسات امریه که الحمدالله روز بروز دائره اش وسعت می یابد میباید ما را از توجه به اصول باز دارد و یا خدای نکرده " ساعات مخصوصه دعا و مناجات " و تذکر و تنبه را منع نماید چه که بفرموده حضرت ولی امرالله بدون این اساس روحانی موفقیت در هر امری مشکل بل ممتنع و محال است .

از طرف دیگر چون خلوص نیّت و پاکی قلب و سعه صدر و توجه بروحانیت و متذکر بودن باین اصل که تمام زحمات و خدمات ما مقصد نهائی و هدف اصلیش حیات عالم و هدایت من فی الامم است پایه کار میباشد . بنابراین نباید توجه بمسائل عرفانیه و تزکیه نفس و تخلق باخلاق بهائی و اتصاف بصفات واقعی روحانی را فراموش کنیم و نباید چنان شود که نفوس یا مشغول تشکیلات و محروم از فیض غور و تعمق در آیات و الواح باشند و یا صرفاً مشغول مطالعات و غور و تعمق در آثار و الواح ولی دور از جریان نباض تأسیسات نظم بدیع گردند .

در این دور مبارک تصویرانسان حقیقی انسانی است عارف و مؤمن که هدف حیاتش پس از وصول بمعرفت و محبت جمال مبارک خدمت بعالم بشریت است بنابراین در این امر اعظم فی الواقع بایستی هم عارف ربانی بود و هم خادم تشکیلاتی هم در سیل سیر و سلوک برای وصول بحضرت دوست کوشید و هم در تأسیسات و تشکیلات و میادین تبلیغ و خدمت پر جوش و خروش بود . اگر چنین وحدتی در تکوین شخصیت روحانی یاران ممکن گردد نور تابنده آثار و اعمال چنین نفوس مبارکه این عالم را روشن نماید .
والا بفرموده حضرت ولی امرالله طبق بیانی که در اول این مقاله آمد عاقبت " دیانت صرفاً تشکیلاتی شود و به کالبدی مرده تبدیل گردد ."

۹- خاتمه

مناجاتی از حضرت عبدالبهاء در طلب اعتدال :

" هو الابهی پاک یزدانا اگر چه دیوانه و بی لانه و آشیانه گشتم ولی سرگشته کوی توام و آشفته روی تو مجنون و مفتون آن جمال و محزون و دلخون از فراقم.

این مجنون شیدای بی نوا سلاسل و زنجیری جز آن زلف مشکین نجوید و این مفتون بی سرو سامان عقل و نهائی بغیر از فیوضات عشق نخواهد.

این جنون اگر چه جامع فنون و پر سکون است لکن چون وقت مقتضی نه بفضل و عنایت قوتش را ضعفی بخش که آن زنجیر مبارک را نگسلد و آن سلسله پیچ اندر پیچ را بکلی قطع ننماید.

نه عقل و فرهنگ زیاد مانع از نشر نفعات مقبول و نه جنون پر فنون زنجیر شکن محبوب خدایا اعتدالی بخش و توسطی عنایت فرما.

در ایام مبارک شخصی بود مفتون محبت الله امر فرمودند که این ابیات را دائماً قرائت و به لحن خوش تلاوت نماید:

واندر همه عالم مشهور بشیدائی
زیسن پیش اگر بودم سردفتردانائی
ای از تو خروش من من نایم و توانائی
من مرده صدساله توجان مسیحائی

ای عشق منم از تو سرگشته و سودائی
در نامه مجنونان از نام من آغازند
ای بساده فروش من سرمایه جوش من
گر زندگیم خواهی در من نفسی دردم
والبهاء علیک و علی کل مفتون معتدل کریم ع ع"

مجموعه مناجات حضرت عبدالبهاء چاپ کراچی

* توضیح بیشتر در مورد لحن خطاب و عناوین انسان در کنز اسرار کتاب اول تشریح فقره ۷۲ و ۷۳ کلمات مکتونه آمده است .